

# کنکاشی در رابطه دوجنس

## ضرورت پیوند خانواده، مسجد و آموزش و پرورش

### برای تربیت درست جوانان

یعنی در این دوران اصلا مسأله جنسی برای شان مطرح نیست. اما در دوره جوانی با ظاهر شدن صفات ثانویه جنسی این رفتارهای ساده و بی‌آلایش کودکان تغییر می‌کند. این تغییرات یکباره روی می‌دهد و صفات ثانویه جنسی به‌طور ناگهانی در آن‌ها بروز می‌کند و به همین سبب میان دختر و

جوانی مرحله‌ای از زندگی انسان است که صفات ثانویه جنسی در آن ظاهر می‌شود. در مرحله کودکی و نوجوانی، فرد صفات ثانویه جنسی ندارد؛ به همین دلیل، در این دوران دخترها و پسرها با هم بازی می‌کنند، بدون این که فاصله‌ای میان خودشان احساس کنند؛

پسر فاصله ایجاد می‌شود و جامعه آن‌ها اشتقاق می‌یابد. این فاصله شاید تا بعدها و حتی تا آخر عمر ادامه داشته باشد. در کشور ما برای این موضوعات اهمیتی قائل نمی‌شوند؛ اما مطالعه کردن در این زمینه و تحقیق درباره این موضوعات بسیار مهم است.

این موضوع که رابطه دو جنس چگونه مطرح شود بسیار مهم است و باید تحقیقات علمی در این ارتباط صورت گیرد. یکی از مشکلات بسیار مهمی که اکنون درباره موضوع جوانان در کشور وجود دارد، ارتباط میان دو جنس مخالف دختر و پسر است. در دانشگاه هم در ارتباط میان دختر و پسر این مشکلات وجود دارد. نمی‌دانیم که رابطه‌شان را چگونه برقرار کنیم. اکنون گسستگی در میان آنان قرار دارد. برخی کارشناسان و افراد معتقدند که باید دانشگاه را تک‌جنسیتی کنیم. باید از این افراد پرسید که بعد از این کار چه اتفاقی می‌افتد؟! نتیجه آن همین دبیرستان‌های تک جنسیتی موجود است که هنگام تعطیل شدن دانش‌آموزان، روابط دختر و پسر به بیرون از دبیرستان کشیده می‌شود و غالباً خودروهایی بسیاری در این زمان در اطراف مدارس پراکنده هستند. خانوادها یادگیرانند یا خودشان باید دختر و پسرشان را همراهی کنند. طبقات مرفه برای فرزندان خود سرورس مدرسه می‌گیرند. دختران کسلی که در فتر به سر می‌برند نیز دخترهای شان در خیابان پراکنده می‌شوند و اگر عزت نفس نداشته باشند، ممکن است مشکلاتی به‌وجود بیاید. متأسفانه این معضلات هم‌اکنون در جامعه وجود دارد. حتی غیر از پارکها، مراکز تفریحی بعضی از مکان‌های مذهبی هم به جایگاهی برای ارتباط میان دختر و پسر تبدیل شده است. مثل نماز جمعه و جماعات و حتی مساجد. مسلماً روابط بین دو جنس مخالف فقط به دانشگاه محدود نمی‌شود، بلکه ممکن است به مسجد، نماز جمعه و مراکز مذهبی دیگر هم کشیده شود؛ یعنی ما هنوز نتوانسته‌ایم در این باره راه‌حل و راهکاری را پیش نهیم و رویکردی مناسب را اتخاذ کنیم. پس صفات ثانویه جنسی عامل ایجاد فصل است. این ایجاد فاصله مسائل مختلفی را به‌وجود می‌آورد که در مقابل با آن باید سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب صورت گیرد. اگر نتوانیم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب را انجام دهیم، مسائل و معضلات زیادی پیش می‌آید.

### صفات ثانویه جنسی

نکته مهم دیگر در ارتباط با جوانان این است که جوانان با یکدیگر متفاوت هستند؛ یعنی صفات ثانویه جنسی دو چیز مختلف در جوانان ایجاد می‌کند؛ یکی در جهت فاعل

بودن شان است؛ یعنی فعالیت جوانان پسر به‌شدت زیاد می‌شود. این حالت، خاصیت به‌شدت فعال دلرد و به‌دنبال تعرض و فاصلیت است؛ یعنی به یکباره همان پسر مهربان دیروز جوانی پرخاشگر و به‌شدت حریف‌طلب می‌شود و این حالت پرخاشگری در او باعث می‌شود که با والدین خود بر سر مسائل معمولی و جزئی بی‌ارزش، که قبلاً درباره آن‌ها هیچ واکنشی نشان نمی‌داد، بحث و دعوا کند. بدین ترتیب، کودک آرام و مهربان دیروز یکباره پرخاشگر و نظرمحور طلب می‌شود. در این مرحله، او پرخاشگر می‌شود و بلافاصله این مشکلات را به خانواده انتقال می‌دهد و خانواده را تحریک می‌کند و به خود شوک وارد می‌کند. این حالت در خانواده‌ای که اولین جوان خود را تجربه می‌کند، بیشتر نمایان است. حتی اگر والدین تعلیم دیده باشند، باز این حالتها وجود دارد و نمی‌توان به‌طور قطع از آن‌ها پیشگیری کرد؛ چون تمام روابط اجتماعی شان عوض می‌شود. در این مرحله است که بخش‌های مهمی پیش می‌آید یعنی بر این که چگونه این جوانان را تعلیم داده و تربیت کنیم. بعضی از خانواده‌ها به‌شدت مدرن شده‌اند و بیش از حد به حرف‌ها و خواسته‌های نوجوان و جوان خود گوش فرا می‌دهند و به‌شدت آنان را قدرت‌طلب پسر می‌آورند. نتیجه آن می‌شود که دیگر نمی‌توان قدرت‌طلبی را تأمین خواسته‌های این جوان را تحمل کرد. در این زمان بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی باعث می‌شود که انسان‌های بی‌اراده و بی‌اعتماد به نفس و تنبیل تربیت شوند که غالباً به راحتی، به‌سمت اعتماد کشیده می‌شوند و خود کمی می‌کنند و حتی به سهولت مرتکب قتل و جرم می‌شوند و تخلف‌هایی را که در جامعه می‌بینیم، این‌گونه افراد انجام می‌دهند. بی‌توجهی به قانون و تخلف و ب در این گروه از جوانان وجود دارد. اخیراً نیز تجاوز به دیگران از این افراد سر می‌زند. به هر حال، مسائل و مشکلات مختلفی در این زمینه وجود دارد که به بحث جداگانه‌ای نیاز دارد.

### جوانان و آزادی

برخی معتقدند که چون جوان‌ها هنوز به بختگی عقل و تدبیر نرسیده‌اند تا آنجا که ممکن است، باید به آن‌ها فرصت داد و تنبیه و را اصلاً نباید مطرح کرد. به‌عکس، برخی دیگر در این باره تفریط می‌کنند و معتقدند که کودک‌کام فقط از راه تنبیه منظم و مرتب می‌شوند و بنابراین با آن‌ها برخوردی سخت‌گیرانه می‌کنند. به همین علت، کودک‌کام در دوران نوجوانی و جوانی افسرده می‌شوند و در دوران‌های بعدی اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند و حتی دستخوش سوءاستفاده جنسی واقع می‌شوند چه دختر و چه پسر؛

یعنی، افسردگی و سرخوردگی باعث می‌شود که در دوران نوجوانی، چه دختران و چه پسران، برای جبران محبتی که در منزل و خانواده وجود نداشته است، در معرض سوء استفاده جنسی قرار گیرند. این وضعیت وجود دارد و جوانان، هنگامی که به سنین بعدی می‌رسند، یکباره شروع به پرخش می‌کنند؛ یعنی افرادی که قبلاً مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، اکنون، خود تجاوزگر جنسی می‌شوند و به خودنمایی‌های وحشتناک دست می‌زنند. این رفتارها را حتی در بحران‌های سیاسی نیز می‌توان دید؛ یعنی گروهی که سرخورده شده‌اند به پرخشگری‌های سیاسی دست می‌زنند. در دبیرستان‌ها و مدارس راهنمایی، این افراد به شدت پرخشگر می‌شوند و زمانی که پرخشگری به‌وجود می‌آید، باعث می‌شود که هم برای خود و هم برای دیگران مزاحمت‌هایی ایجاد کنند. دلیل چنین رفتارهایی آن است که در دوران مدرسه، این کودکان و نوجوانان را به شدت زیر فشار قرار می‌دادند و وقتی آنان پرخشگری می‌کنند، ناظم مدرسه که بناخلاق است، همواره می‌کوشد به بیجه‌ها احم کند و مثلاً حالتی خشن و ترسناک به خود بگیرد. در نتیجه، آنان یا ورود به دانشگاه ناگهان از زیر این فشار بیرون می‌آیند تا دیروز این بیجه منعطف بود و حتی درس می‌خواند ولی با ورود به دانشگاه، به‌افت تحصیلی گرفتار و مشروط می‌شود. این‌ها مشکلاتی است که اکنون در دانشگاه‌ها وجود دارد. دانشجویان با افت تحصیلی یا انفعال‌ها یا پرخش‌های سیاسی مواجه‌اند. پرخشگری سیاسی ناشی از عقده‌های جنسی دوران دبیرستان است که آن‌ها را بی‌عالم نظم و سرکوب کرده‌اند. بررسی این موضوعات خود بحث مفصلی است.

در این زمینه، حالات دختر و پسر برعکس هم است: دختر به شدت می‌خواهد جذابیت ایجاد کند و از نظر اجتماعی مقبول باشد که این مقبولیت، نکته بسیار مهمی است؛ یعنی همیشه به دنبال این است که خودنمایی کند و خود را زیباتر نشان دهد. سپس به خودنمایی جنسی روی می‌آورد. این حالت‌ها از دوران نوجوانی شروع می‌شود. آثار جنسی خودنمایی در این دوران بسیار گسترده است و این طبیعی است. متأسفانه ما این‌ها را درک نمی‌کنیم؛ یعنی خودنمایی جنسی را درست متوجه نمی‌شویم. به همین دلایل است که سن ازدواج باید پایین بیاید؛ چون نمی‌توان جلوی خودنمایی جنسی را گرفت. اگر جلوی این کارهای طبیعی را بگیریم، نوعی وارفتگی، افسردگی و به‌وجود می‌آید که در درازمدت، جوان به بیماری‌های روحی و جسمی دچار می‌شود. در ایران این حالت‌ها و بیماری‌ها به شدت شایع است و در درازمدت باعث می‌شود که زنان در ارتباط جنسی دچار مشکل شوند. این به سردم‌زاجی و... منجر می‌شود که آمار آن‌ها در کشور کم نیست. مجله‌هایی که در

این ارتباط نظرسنجی و آمارگیری کرده‌اند آمارهای ۶۰ و ۷۰ و حتی ۸۰ درصد را نیز در این باره ذکر کرده‌اند که زنان از روابط جنسی خودشان لذت نمی‌برند، بلکه فقط درد می‌کشند و این باعث سرد مزاجی جنسی شده است. این عوامل زمینه طلاق می‌شود؛ یعنی خودنمایی جنسی آن‌ها برعکس انجام می‌شود. خلاصه این که این افراد نتوانسته‌اند خودنمایی جسمی دوران جوانی را خوب و به‌طور طبیعی بروز دهند. بنابراین باید درک کرد که خودنمایی جنسی پدیده‌ای طبیعی است و اگر آن را غیر از این بدانیم، دچار مشکلاتی می‌شویم که برای درک درست آن باید به‌طور اساسی بحث کرد. در این زمینه باید خصوصاً دخترها را خود آگاه کرد. اگر بدانند که خودنمایی جنسی‌شان در جوانی طبیعی است و این را باور داشته باشند، خیلی راحت‌تر می‌توانند تصمیم درست بگیرند؛ یعنی بهتر می‌توانند رفتارهای طبیعی خود را بشناسند و تصمیم درست بگیرند. و از بعضی مسائل دوری کنند تا بتوانند رفتار مناسب را انجام دهند؛ این یک رویکرد درست است که باید دنبال شود. پس در این مرحله هم قاعلیت و هم مقبولیت را باید داشت؛ یعنی این داستان را باید دنبال کرد که بحثی بنیادی در موضوع ارتباط است و باید کاری کرد که چه دختر و چه پسر و چه زن و چه مرد، این موضوع را بدانند و خود آگاهی پیدا کنند که این نکته‌های اساسی و بنیادی است. متأسفانه این نگاه را در آموزش و پرورش نداریم. کارشناسان و افراد آشنایه این مسائل در مدارس راهنمایی و دبیرستان حضور ندارند. اگر این آشنایی ایجاد شود، می‌توانیم به جوان‌ها کمک کنیم. اگر این مباحث را به راحتی به مربیان و معلمان این دوران آموزش دهیم، مشکلات کمتر می‌شود. برخی معلمان تربیتی این کار را انجام می‌دهند؛ اما افراد و کارشناسانی که بخته و صاحب تجربیات باشند، می‌توانند در این مسائل بیشتر به جوان‌ها کمک کنند. آن‌چه بنده در دبیرستان‌های دولتی می‌بینم این است که افراد، بدون علم و کارشناسی در این موضوعات، برخورد‌های نامناسبی با این رفتار جوانان انجام می‌دهند. حتی دینام که از تباطات نامناسبی میان نوجوانان و جوانان و معلمان تربیتی به‌وجود می‌آید؛ یعنی معلم تربیتی به خاطر جهل هر دو طرف، یا نوجوانان و جوانان ارتباط جنسی برقرار می‌کند. شاهد اقدام به خودکشی برخی دانش‌جویان بودم، به‌علت این‌که در دوره دبیرستان دستخوش سوءاستفاده جنسی معلم تربیتی‌شان واقع شدند. این موضوعات نشان می‌دهد که مسائل جنسی جوانان ساده نیست و به مطالعات زیادی نیاز دارد. به‌ویژه، فهم شخصیت ثانویه جنسی موضوع بسیار مهمی است که باید در بعد خانواده و مسجد و آموزش و پرورش آن را در نظر گرفت.

آن‌شاما... در فرصت بعد بیشتر در این باره به کنکاش می‌پردازیم. ■